۲۶۶ - ای سر گشته صحرای عشق

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۶۶ - ای سر گشته صحرای عشق

ای سر گشته صحرای عشق، چون نسائم صبحگاهی در رياض قلوب احبّای الهی مرور نما دلها بمثابه جان بياد جانان زنده کن و جسمها را بنفحه حيات ذکر مليک اسما و صفات روان بخش نعره ئی بزن و فريادی از دل برآر چوگانی بگير اسبی بتاز گوئی بزن نغمه ئی آغاز کن و ترانه ئی ساز نما با نفحه حقّ دمساز شو و آوازی در آفاق درافکن جوشی بزن شوری بيفکن پيرهن چاک کن و چون گل صدبرگ خندان در اين گلستان جلوه ئی نما. تا نفس باقی است وقت را غنيمت شمر و جان در راه جانان بسپر عمرها بسر آيد و جان‌ها بلب آيد جز زيان و خسران چيزی نماند و حکمت را از دست مده زيرا ميزانست.

